

سال‌نمای امنیت ملی
جمهوری اسلامی ایران
تحولات راهبردی ۱۳۹۱
چشم‌انداز ۱۳۹۲

زیر نظر شورای نویسندگان



تحولات جمعیتی

مقدمه

بر مبنای نتایج نهایی سرشماری نفوس و مسکن آبان ۱۳۹۰، که در مرداد ماه ۱۳۹۱ انتشار یافت، جمعیت ایران در سال ۱۳۹۰، به ۷۵ میلیون نفر رسید و براساس آخرین آمار آنلاین سایت مرکز آمار ایران در اول بهمن ۱۳۹۱ از مرز ۷۷ میلیون نفر گذشت. نتایج این گزارش نشان داد که روند تحول شاخص‌های جمعیتی در مسیر تحولات دو دهه اخیر است و برای بیشتر کارشناسان و دولت‌مردان، چندان غیرمنتظره نبوده است؛ اما شدت تحول در برخی شاخص‌ها مانند کاهش چشمگیر نرخ رشد جمعیت از ۳/۸ به ۱/۲۹ طی دو دهه، کاهش بعد خانوار یا افزایش میانگین سن پیری، بر هم خوردن تعادل بین نرخ تولد و مرگ را نشان می‌دهد؛ موضوعی که مقامات و برخی کارشناسان را نگران کرده است. این نوشته در تحلیلی کوتاه، با تأمل در نتایج گزارش سرشماری اخیر در صدد است تا چشم‌اندازی از روند تحول شاخص‌های جمعیتی در سه دهه اخیر و منطق این تحول به دست دهد. در این چهارچوب، به اختصار موضوعاتی مانند روند و منطق تحولات جمعیتی، عوامل مؤثر بر کاهش نرخ رشد جمعیت و عادی یا غیرعادی بودن آن، میزان رشد و معمای نسبت فقر و پیری جمعیت بررسی می‌شود.

روند تحول شاخص‌های مهم جمعیتی

بر پایه اطلاعات جدول شماره ۱، که مهمترین روندهای تحول شاخص‌های جمعیت را در ۳۵ سال گذشته نشان می‌دهد، نرخ رشد جمعیت از ۳/۹۱ در سال ۱۳۶۵ به ۱/۲۹ در سال ۱۳۹۰، بعد خانوار در مناطق شهری در عرض سه دهه از ۴/۹ به ۳/۵ و در مناطق روستایی از ۵/۲ به ۳/۷ و به طور

بر مبنای نتایج نهایی سرشماری نفوس و مسکن، جمعیت ایران در سال ۱۳۹۰، به ۷۵ میلیون نفر رسید و بر اساس آخرین آمار آنلاین سایت مرکز آمار ایران در اول بهمن ۱۳۹۱ از مرز ۷۷ میلیون نفر گذشت

میانگین بعد خانوار در ۳۵ سال از ۵/۱۱ به ۳/۵۵ کاهش یافته است. میانگین سنی جمعیت از ۲۲/۰۴ در سال ۱۳۵۵ به ۲۹/۸۶ در سال ۱۳۹۰ رسیده و امید به زندگی در طول سه دهه از ۵۵ به ۷۴ سال افزایش یافته است. بر مبنای داده‌های جدول شماره ۲ نیز میانگین سنی ازدواج از ۲۱/۹ در سال ۵۵ به ۲۵/۵ افزایش یافته است. در تحلیل تحول روندهای جمعیتی می‌توان به چند نکته اشاره کرد؛ نخست اینکه منطق مشخصی بر روند تغییر شاخص‌های جمعیت به ویژه نرخ رشد حاکم است. به این معنی که ارتباط کاملاً معنی‌داری بین نرخ رشد جمعیت و سیاست‌های تشویق، تنظیم و کنترل جمعیت در سه مقطع «پیش از انقلاب»، «دهه ۱۳۶۰» و «دو دهه اخیر» وجود داشته است. دوم، بین روند تحول شاخص‌ها ارتباط ارگانیکی وجود دارد. این شاخص‌ها نشان می‌دهد که هم روند گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی و افزایش شهرنشینی و هم سیاست‌های جمعیتی دولت، تحول روندهای جمعیتی را در چهارچوب منطق معینی شکل داده‌اند؛ روندهایی که متأثر از روندهای جهانی کاهش بعد خانوار، افزایش میانگین سنی و نیز افزایش خانواده‌های کم جمعیت و تک نفره در شهرهای بزرگ کشور مبتنی است. همچنین انسجام و ارتباطی پیوندواره بین شاخص‌هایی مانند نرخ رشد و نسبت جوانی جمعیت وجود دارد.

جدول شماره ۱. تحولات روندهای جمعیتی در ۳۵ سال گذشته^۱

سال	جمعیت	نرخ رشد سالانه	بعد خانوار			امید به زندگی	
			میانگین	روستایی	شهری	زن	مرد
۱۳۵۵	۳۳/۷۰۸/۷۴۴	۲/۷	۵/۱۱	۵/۲	۴/۹	۵۵	۵۴
۱۳۶۵	۴۹/۴۴۵/۰۱۰	۳/۹۱	۵/۰۲	۵/۵	۴/۰	-	-
۱۳۷۵	۶۰/۰۵۵/۴۴۸	۲/۷۴	۴/۸۴	۵/۲	۴/۶	-	-
۱۳۸۵	۷۰/۴۹۵/۷۸۲	۱/۶۲	۴/۰۳	۴/۴	۳/۹	۷۳/۱	۷۱/۱
۱۳۹۰	۷۵/۱۴۹/۶۶۹	۱/۲۹	۳/۵۵	۳/۷	۳/۵	۷۴/۶	۷۲/۱

۱. منبع: گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و دیگر گزارش‌های سرشماری دوره‌های قبل، مرکز آمار ایران

نرخ رشد جمعیت: شاید مهم‌ترین نگرانی درباره نتایج سرشماری اخیر، به کاهش شدید میزان رشد جمعیت از ۳/۹۱ در سال ۱۳۶۵ به ۱/۲۹ در سال ۱۳۹۰ مربوط باشد؛ موضوعی که بحث گسترده‌ای را در میان موافقان و مخالفان میزان رشد بالا و سیاست‌های دولت در کنترل جمعیت و تنظیم خانواده برانگیخته است. مخالفان کاهش میزان رشد، سیاست‌های کنترلی دولت در دو دهه اخیر را مهم‌ترین عامل در این زمینه می‌دانند. هرچند اعمال سیاست‌های کنترل جمعیت در ایران از دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ آغاز شد، اما مهم‌ترین رخداد این عرصه در سال ۱۳۷۲ بود که اعمال برنامه‌ها و سیاست‌های ویژه، میزان رشد جمعیت ایران را در مدت کوتاهی، از ۳/۹ به ۲/۱ در سال‌های نخست دهه ۷۰ رساند. قانون سیاست‌های جمعیتی جدید در دهه ۷۰ به اجرا گذاشته شد و سپس با وضع قوانین دیگری مانند قانون کنترل و تنظیم خانواده در دهه ۸۰ که با هزینه‌های زیادی در تمام مناطق روستایی و شهری اجرا شد، در عمل کنترل جمعیت به عنوان سیاست رسمی دولت‌های مختلف در کشور در دستور کار قرار گرفت.

هرچند نگرش دولت نهم و دهم نسبت به سیاست‌های کنترل جمعیت و میزان رشد با دولت‌های پیشین متفاوت بوده است و حتی برخی سیاست‌های تشویقی مبنی بر وعده اهدای کمک هزینه یک میلیون تومانی در ازای تولد هر نوزاد به خانواده‌ها یا برخی تسهیلات دیگر برای افزایش میزان رشد جمعیت توسط این دولت‌ها در دستور کار قرار گرفت، اما در عمل سیاست کنترل جمعیت در مراکز درمانی و بهداشتی در کل کشور تداوم یافت. در نتیجه، این سیاست تشویقی اعلامی نیز به حاشیه رفت و تأثیر قابل توجهی در برگشت روند پیشین نداشت و میزان رشد جمعیت از ۱/۶۲ درصد در سال ۸۵ به ۱/۲۹ درصد در سال جاری کاهش یافت.

البته برخلاف تحلیلی که بر نقش ویژه سیاست‌های کنترل جمعیت در دهه ۷۰ و ۸۰ در کاهش میزان رشد تأکید دارند، آمار و روند رشد باروری کل در کشور نشان می‌دهد که کاهش رشد باروری پس از سال ۱۳۶۵ آغاز و در دو دهه اخیر تشدید شده است. هرچند سیاست‌های تشویقی یا تحدیدی کنترل جمعیت در کاهش باروری مؤثر بوده، اما این امر نقشی حمایتی و ثانوی در تحول میزان رشد یا کنترل باروری داشته و عامل تعیین کننده در این زمینه، مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی، به ویژه برخی الگوهای نوین فرهنگی درباره سبک زندگی در شهرها و روستاها بوده است. کاهش شدید میزان رشد جمعیت یا باروری کل در دو سال اخیر نیز می‌تواند در ارتباط با افزایش هزینه‌های خانوارها در سبک جدید زندگی ارزیابی شود.

همچنین کاهش بعد خانوار از ۵/۱۱ در سال ۱۳۵۵ به ۳/۵۵ در سال ۱۳۹۰، افزایش سطح تحصیلات نسل جدید، به ویژه دختران و اشتغال به تحصیل آنها در مراکز آموزش عالی که موجب تأخیر در ازدواج آنان می‌گردد، یا افزایش سن ازدواج مردان از ۲۴/۱ در سال ۱۳۵۵ به ۲۶/۷ در سال ۱۳۹۰، تأثیر مستقیمی بر کاهش نرخ زاد و ولد داشته و این پدیده خود زمینه‌ای

آمار و روند رشد
باروری کل در
کشور نشان می‌دهد
که کاهش رشد
باروری پس از سال
۱۳۶۵ آغاز و در دو
دهه اخیر تشدید
شده است

برای افزایش میانگین سنی جمعیت بوده است که آن را از ۲۲.۰۴ در سال ۱۳۵۵ به ۲۹.۸۶ در سال ۱۳۹۰ رسانده است.

جدول شماره ۲. روند تغییر در گروه‌های عمده سنی، میزان رشد جمعیت و میزان سواد (۱۳۵۵-۱۳۹۰)

میانگین سن ازدواج		نسبت افراد باسواد (درصد)	میانگین سنی جمعیت	نسبت جوانی جمعیت (درصد)	۶۵ سال و بالاتر (درصد)	۱۵-۶۴ سال (درصد)	۰ تا ۱۴ سال (درصد)	گروه سنی سال
مرد	زن							
۲۴/۱	۱۹/۷	۴۷/۵	۲۲/۰۴	۴۴/۵۳	۳/۵	۵۲	۴۴/۵	۱۳۵۵
۲۳/۸	۱۹/۹	۶۱/۸	۲۱/۷	۴۵/۴۵	۳/۰	۵۱/۵	۴۵/۵	۱۳۶۵
۲۵/۶	۲۲/۴	۷۹/۵	۲۴/۰۳	۳۹/۵۱	۴/۳	۵۶/۱	۳۹/۵	۱۳۷۵
۲۶/۲	۲۳/۳	۸۴/۶	۲۷/۹۷	۲۵/۱	۵/۲	۶۹/۷	۲۵/۱	۱۳۸۵
۲۶/۷	۲۳/۴	۹۲/۴	۲۹/۸۶	۲۳/۲	۵/۷	۷۰/۹	۲۳/۴	۱۳۹۰

شدت تحول در برخی شاخص‌ها مانند کاهش چشمگیر نرخ رشد جمعیت از ۳/۸ به ۱/۲۹ طی دو دهه، کاهش بعد خانوار یا افزایش میانگین سن پیری، بر هم خوردن تعادل بین نرخ تولد و مرگ را نشان می‌دهد

ساختار سنی جمعیت: یکی دیگر از موضوعات نگران‌کننده درباره تغییر روندهای جمعیتی که بر مبنای نتایج گزارش سرشماری ۱۳۹۰ به دست آمده، روند روبه رشد تغییر ساختار سنی جمعیت به سمت میان‌سالی و پیری است. با توجه به اطلاعات جدول شماره ۲، تداوم روند کنونی می‌تواند تعادل بین هرم سنی جمعیت ایران را در دو دهه آینده بر هم زند و چالش «پیری زودرس» جمعیت را پدید آورد. کارشناسان مهم‌ترین عوامل مؤثر در تغییر یا ثبات ساختاری سنی جمعیت را نسبت تحول در سه شاخص باروری، مرگ و میر و مهاجرت می‌دانند. اگر رشد باروری نسبت به مرگ و میر و مهاجرت روندی صعودی داشته باشد، با الگوی «جمعیت باز» روبه‌رو هستیم که ساختار سنی جمعیت به سمت تغییر سریع نسل تمایل می‌یابد و میانگین سنی کاهش می‌یابد. برعکس، چنانچه میزان رشد باروری نسبت به میزان مرگ و میر و مهاجرت سیر نزولی داشته باشد، با الگوی «جمعیت بسته» روبه‌رو هستیم که در آن، تغییر نسل با کندی انجام می‌گیرد و میانگین سنی نیز افزایش می‌یابد. چنان که آمار جدول‌های شماره ۱ و ۲ نشان می‌دهد، با کاهش میزان باروری و افزایش امید به زندگی در شهرها و روستاها، ساختار سنی جمعیت و هرم اجتماعی به سمت میان‌سالی پیش رفته است که البته این روند تفاوت‌های معناداری با روندهای جهانی یا کشورهای هم‌جوار ایران ندارد، اما با توجه به اینکه در سه دهه متوالی (۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵) میزان رشد جمعیت ایران یکی از

بزرگ‌ترین نرخ‌های رشد در سطح جهانی بوده و در دو دهه اخیر با شیب تندی رو به کاهش نهاده است، این روند می‌تواند ترکیب و ساختار سنی جمعیت را در ایران بیش از دیگر مناطق و کشورهای جهان با سرعت پیر شدن روبه‌رو کند.

شاخص‌های نرخ رشد متعادل: پرسش مهمی که کارشناسان جمعیت کشور درباره مباحثات اخیر در کاهش نرخ رشد جمعیت مطرح کرده‌اند، این است که آیا میزان رشد ۳ تا ۴ درصدی جمعیت در چند دهه اخیر و کاهش سریع آن در چند سال اخیر در نمودار تحولات جمعیت، پدیده‌ای عادی یا غیرعادی بوده است؟ عادی یا غیرعادی بودن و استمرار تعادل در نرخ رشد جمعیت یک کشور را باید با توجه به چند شاخص ارزیابی کرد که عبارتند از: (۱) نمودار میزان رشد همان کشور در چند دهه گذشته، (۲) تجربه و روند میزان رشد جاری کشورهای همسان و (۳) تجربه نرخ رشد جهانی.

در ارزیابی شاخص نخست، باید یادآور شد که در تاریخ چند هزارساله جامعه ایرانی، نرخ‌های رشد ۳ تا ۴ درصدی جمعیت، تنها در چند دهه اخیر و پس از جنگ جهانی دوم پدیدار شد: انقلاب در بهداشت و سیستم درمانی مبتنی بر واکسیناسیون بود که به طور بی‌سابقه‌ای مرگ و میر را کاهش داد. رشد فناوری در امور کشاورزی و دیگر بخش‌ها، که بهبود تغذیه را به دنبال داشت و رشد شاخص‌های مرتبط با رفاه عمومی، که امید به زندگی را افزایش داد، عواملی هستند که زمینه چنین رشد بی‌سابقه‌ای را فراهم کردند و طبعاً تداوم بلندمدت چنین رشدی در هیچ یک از جوامع پیشرفته یا در حال گذار، وجود نداشته و ممکن نبوده است؛ زیرا برپایه محاسبه جمعیت‌شناسان، در صورت رشد مستمر ۳/۹ درصدی در طول ۱۴۰ سال، جمعیت ایران می‌تواند تقریباً به چندین برابر میزان کنونی افزایش یابد که چنین امری حتی با پیشرفت روزافزون فناوری و مدیریت بهینه منابع، همچنین با ظرفیت‌های اقتصادی، محیط زیستی، منابع آبی و سایر امکانات کشور متناسب نیست.

مطالعه میزان رشد جمعیت کشورهای اروپا و دیگر قدرت‌های صنعتی مانند ژاپن، چین و شوروی سابق نشان می‌دهد که پس از یک دوره رشد کوتاه چند دهه‌ای در دوره گذار، میزان رشد جمعیت این جوامع به روال عادی بین ۵/۰ تا ۱۵/۰ برگشته است. جمعیت‌شناسان در تبیین الگوی نظری گذار دموگرافیک، دوره پیش از گذار یا رشد تصاعدی باروری را دوره «تعادل طبیعی» و دوره پس از گذار را دوره «تعادل ارادی» می‌نامند.

با توجه به نرخ رشد جمعیت دیگر جوامع همسان در خاورمیانه و شمال آفریقا و تجربه نرخ رشد کشورهای صنعتی، همچنان که محققان ارشد کشور در اوایل دهه ۷۰ پیش بینی کرده بودند، تجربه رشد ۳ تا ۴ درصدی جمعیت در سه دهه ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ (که بالاتر از میانگین رشد کشورهای منطقه و نیز میانگین میزان رشد ۲ درصدی جهانی بود) نمی‌توانست تداوم داشته باشد. بنابراین، کاهش میزان رشد در ایران را می‌توان بازگشت به «تعادل ارادی» دانست و

شاید مهم‌ترین
تکرانی درباره نتایج
سرشماری اخیر، به
کاهش شدید میزان
رشد جمعیت از
۳/۹۱ در سال ۱۳۶۵
به ۱/۲۹ در سال
۱۳۹۰ مربوط باشد

هرچند سیاست‌های تشویقی یا تحدیدی کنترل جمعیت در کاهش باروی مؤثر بوده، اما مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی، به ویژه برخی الگوهای نوین فرهنگی دربارهٔ سبک زندگی در شهرها و روستاها مؤثرتر بوده است

بر مبنای شاخص‌های سه گانه یادشده، رشد ۱.۲۹ درصدی جمعیت در ایران را نمی‌توان رشدی غیرعادی به شمار آورد. البته در این تعادل ارادی، هم نقش سیاست‌های حمایتی دولت‌ها و هم ارادهٔ خانواده‌ها در کنترل و یا کاهش نرخ رشد بالای جمعیت مؤثر بوده است.

نرخ رشد و عدم تعادل منطقه‌ای در کشور: البته بررسی و مقایسه نرخ رشد جمعیت در مناطق مختلف کشور نشان می‌دهد که در بین استان‌های مرکزی و پیرامونی، نرخ رشد جمعیت از موازنه یا تعادل مطلوبی برخوردار نیست. نمودار شماره ۱ که درصد متوسط رشد سالانه جمعیت به تفکیک استان را در دوره پنج ساله ۱۳۸۵-۱۳۹۰ نشان می‌دهد، حاکی از آن است که ۸ استان پیرامونی کشور مانند اردبیل، ایلام، کردستان، کرمانشاه، خراسان جنوبی، لرستان، سیستان و بلوچستان و آذربایجان شرقی که بیشتر استان‌های محروم کشور هستند، با میانگین ۶۴٪. درصد نرخ رشد از کمترین نرخ رشد جمعیت در کشور برخوردار هستند و در مقابل ۸ استان مرکزی کشور که از مناطق برخوردار و توسعه یافته می‌باشند، یعنی تهران، البرز، کرمان، اصفهان، قم، یزد، سمنان و خراسان رضوی با میانگین نرخ رشد ۸۱٪ از بیشترین نرخ رشد برخوردار هستند و ۵۲٪ نیز از میانگین نرخ رشد جمعیت کشور بالاتر هستند. در واقع نرخ رشد جمعیت در مناطق پیرامونی یک سوم نرخ رشد در استان‌های مرکزی است. این در حالی است که بر مبنای منطق و روند نرخ رشد جمعیت در دهه‌های گذشته، با توجه به سطح پایین سواد و دیگر ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی، نرخ رشد جمعیت در مناطق روستایی و محروم پیرامونی نسبت به مناطق توسعه یافته و صنعتی-شهری بیشتر بوده است. با تحلیل دیگر شاخص‌ها و داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۰ و در بررسی علل و زمینه‌های نرخ رشد نامتوازن در کشور به چند نکته می‌توان اشاره نمود:

نسبت معکوس نرخ رشد جمعیت و مهاجرت: بررسی نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که نه تنها تفاوت زیادی بین نرخ زاد و ولد در استان‌های پیرامونی و مرکزی وجود ندارد، بلکه در برخی استان‌های محروم مانند سیستان و بلوچستان، ایلام و اردبیل میانگین «نرخ زاد و ولد» و «بعد خانوار» بیشتر از میانگین کشوری می‌باشد. بنابراین با توجه به این واقعیت، برای تبیین علل کاهش نرخ رشد جمعیت در این مناطق بایستی به دنبال متغیرهای دیگری بود که طبعاً پدیده مهاجرت و استمرار آن یکی از عوامل مؤثر بر کاهش نرخ رشد جمعیت در این مناطق می‌باشد. آمار تفصیلی مهاجرت مرکز آمار نشان می‌دهد که دو استان آذربایجان شرقی و اردبیل مهاجرفرست‌ترین استان‌ها در ده سال گذشته بوده‌اند که این امر عامل مهمی در کاهش نرخ رشد جمعیت و کاهش آن به رقم بی سابقه ۳۳٪. در اردبیل و ۶۶٪ در آذربایجان شرقی بوده است. در مقابل، مهاجرپذیری شدید استان‌هایی مانند البرز، قم، تهران و بوشهر عامل مهمی در افزایش نرخ رشد جمعیت در این استان‌ها بوده است.

نسبت شاخص‌های اقتصادی و نرخ رشد جمعیت: گرچه برخی سیاست‌های دولت نهم و دهم مانند واگذاری سهام عدالت به روستائیان و دهک‌های پایین درآمدي جامعه، پرداخت وام‌های گسترده در مناطق محروم برای اجرای طرح‌های زودبازده و صنایع کوچک، به ویژه اجرای فاز اول طرح هدفمندی و پرداخت یارانه های نقدی در تعدیل شکاف اقتصادی بین مناطق و طبقات اجتماعی موثر بوده است، ولی به نظر می‌رسد عدم بهبود فضای کسب و کار در این مناطق و ضعف سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی در این استان‌ها از یک طرف موجب تشدید مهاجرت نسل جوان بیکار شده و از طرف دیگر بیکاری بیشتر نسبت به مناطق مرکزی، عدم امنیت شغلی و افزایش لجام گسیخته تورم در دو سال اخیر، رغبت و گرایش جوانان به ازدواج و خانواده‌ها را نسبت به داشتن فرزند بیشتر کاهش داده است.

نمودار شماره ۱. درصد متوسط رشد سالانه جمعیت به تفکیک استان در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵.

کارشناسان مهم‌ترین عوامل مؤثر در تغییر یا ثبات ساختاری سنی جمعیت را نسبت تحول در سه شاخص باروری، مرگ و میر و مهاجرت می‌دانند



دو استان آذربایجان شرقی و اردبیل مهاجر فرست‌ترین استان‌ها در ده سال گذشته بوده‌اند که این امر عامل مهمی در کاهش نرخ رشد جمعیت و کاهش این دو استان بوده است

از منظر مدیریتی، بر هم خوردن تعادل جمعیتی در سطح کشور می‌تواند چالش‌ها و آسیب‌های بزرگی را در بلندمدت برای ساختار اجتماعی مناطق مرکزی و پیرامونی فراهم نماید. کاهش شدید جمعیت و تشدید مهاجرت به مناطق مرکزی یا خارج از کشور، مناطق پیرامونی را در آینده با بحران پیرشدن جمعیت مواجه می‌کند، که این امر با توجه به این که بیشتر مهاجرین از نسل جوان و تحصیل کرده هستند، به طور عمیقی ظرفیت‌های انسانی و بالطبع مادی لازم را برای توسعه متعادل این مناطق از بین برده و بر تشدید نابرابری‌های منطقه‌ای می‌افزاید. به لحاظ مدیریتی نیز مهاجرت گسترده به مناطق مرکزی، مدیریت دولت و شهرداری‌ها را در کلان شهرها و شهرهای اقماری آنها مانند تهران، کرج و قم با چالش‌های بزرگ افزایش جمعیت در عرصه‌هایی مانند مسکن، اشتغال، آموزش، ترافیک شهری و نیز ناهنجاری‌ها و بزه‌کاری‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی شهری مواجه می‌نماید.

اقدامات انجام‌شده برای تغییر سیاست‌های جمعیتی

چنان که اشاره گردید اعلام نتایج سرشماری در مرداد ۱۳۹۱ زمینه نگرانی بزرگی در میان مسئولان نظام گردید. البته مقام معظم رهبری سال پیش و در دیدار با مسئولان نظام در مرداد ۱۳۹۰ تاکید کردند که «هر اقدام و تدبیری که می‌خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از صد و پنجاه میلیون نفر انجام بگیرد»، اما در سوم مرداد ۹۱ با انتقاد از تداوم سیاست کنترل جمعیت بیان داشتند: «در اوائل دهه هفتاد اجرای این سیاست بنابر مصالحی صحیح بود، اما ادامه آن در سال‌های بعد خطا بود. بررسی‌های علمی و کارشناسی نشان می‌دهد که اگر سیاست کنترل جمعیت ادامه پیدا کند، به تدریج دچار پیروی و در نهایت کاهش جمعیت خواهیم شد، بنابراین مسئولان باید با جدیت در سیاست کنترل جمعیت تجدیدنظر کنند و صاحبان رسانه و تربیون از جمله روحانیون در جهت فرهنگ‌سازی این موضوع اقدام کنند». همچنین ایشان در اجتماع مردم خراسان شمالی در ۱۹ و ۲۳ مهر سال گذشته تاکید نمودند تجدید نسل از اواسط دهه ۷۰ باید متوقف می‌شد. البته اول که سیاست تجدید نسل اتخاذ شد، خوب بود، لازم بود، لیکن از اواسط دهه ۷۰ باید متوقف می‌شد. این را متوقف نکردیم؛ این اشتباه بود.

پس از سخنان رهبری وزارت بهداشت با صدور بیانیه‌ای از صفر شدن ردیف بودجه کنترل جمعیت خبر داد و نمایندگان مجلس طرحی دو فوریتی را برای لغو قانون تنظیم خانواده مصوبه سال ۷۲ در ۸ مرداد ارائه کردند و برخی محرومیت‌های درمانی برای فرزند چهارم را حذف کردند. دولت نیز لایحه لغو «قانون کنترل نرخ رشد جمعیت کشور» و لایحه «تشویق افزایش جمعیت» را ارائه نمود که در دستور کار کمیسیون بهداشت و درمان مجلس قرار گرفت. مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال در دی ماه از قانونی شدن

سیاست‌های تشویقی افزایش جمعیت در آینده‌ای نزدیک خبر داد و گفت: کمیته‌ای مشترک در مجلس این موضوع را پیگیری می‌کند و از سال ۹۲ زمینه اجرایی شدن آن در کشور فراهم می‌شود. در شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز سیاست‌های تشویقی به تصویب رسید. هم‌زمان با وزارت بهداشت، وزارت علوم هم مکلف شد سیاست‌های خود را در این زمینه تغییر دهد. برخی مسوولان در حالی که سیاست‌های کنترل جمعیت در کشور را توطئه غرب می‌دانستند، خواستار بازنگری در متون کتاب‌های مدارس و دانشگاه‌ها شدند. در همین راستا کتابی تحت عنوان «شکوه همسررداری» جایگزین کتاب «تنظیم خانواده» شد و کتاب‌های جدید با موضوع تشویق جوانان به فرزندآوری در دستور تدوین و کار در دانشگاه‌ها قرار گرفت. در ادامه این سیاست‌ها طی سال‌های گذشته، سقف تعداد سه فرزند برداشته و بودجه تنظیم خانواده نیز حذف شد.

چشم‌انداز

سیاست‌های کنترل جمعیت در کشورهایمانند ایران که رشد یکباره جمعیت را در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ تجربه کرده‌اند، با چالش‌ها و تناقض‌هایی جدی روبه‌رو شده‌اند. از یک‌طرف، اگر به مدت طولانی سیاست تحدید و کاهش رشد جمعیت، همچنان که در دو دهه اخیر در ایران اتفاق افتاد، در پیش گرفته شود، بخش بزرگی از جمعیت به تدریج و طی چند دهه، به سن پیری می‌رسد؛ زیرا کاهش زاد و ولد، جمعیت کودکان و نوجوانان را کاهش می‌دهد و امید به زندگی را که موجب افزایش سن و جمعیت میان‌سالان و کهن‌سالان می‌شود، بالا می‌برد؛ دو متغیر اساسی که حرکت سریع قاعده هرم جمعیتی را از جوانی به میان‌سالی و سپس پیری موجب می‌شوند. از طرف دیگر، کنترل نکردن جمعیت در بستری از کمبود منابع و ظرفیت‌های پایین اقتصادی، زمینه‌ای برای افزایش جمعیت بیکار و گسترش فقر و نابرابری و برهم خوردن تعادل طبقاتی در جامعه است. بر این مبنا، سیاست ایجاد تعادل بین افزایش جمعیت و پیشگیری از فقر، به ظرفیت‌های بالای اقتصادی و تداوم رشد شاخص‌های کلان اقتصادی بستگی دارد. با توجه به نرخ پایین رشد اقتصادی و نیز نرخ بالای تورم در چند سال اخیر، سیاست‌های تشویقی افزایش جمعیت اگر با استقبال مردم مواجه شود، در سال‌های آتی می‌تواند به گسترش فقر در طبقات پایین اجتماعی بینجامد.

در عین حال بازگشت دوباره به دوره نرخ رشد سریع، که دوره غیرعادی از بین رفتن تعادل بین باروری و مرگ و میر است، تنها با تغییر سیاست‌های حمایتی دولت‌ها ممکن نخواهد بود و اراده پایین خانواده‌های جوان و میان‌سال در فرزندآوری و رغبت پایین جوانان برای ازدواج که متأثر از مولفه‌های ساختاری مانند نرخ بیکاری یا وضعیت اشتغال و درآمد و نیز تغییر سبک زندگی می‌باشد، بیش از سیاست‌های حمایتی دولت و مجلس در تغییر یا بهبود

مهاجرپذیری شدید
استان‌هایی مانند
البرز، قم، تهران و
بوشهر عامل مهمی
در افزایش نرخ
رشد جمعیت در
این استان‌ها بوده
است

نرخ رشد جمعیت موثر خواهد بود.

با توجه به این جمع‌بندی به نظر نمی‌رسد در سال ۹۲ تحول جدی در نرخ رشد جمعیت و یا دیگر شاخص‌های جمعیتی به وجود آید و البته چنان که نرخ رشد جمعیت از ۱.۶ درصد در سال ۹۰ به ۱.۳ درصد در سال ۹۱ کاهش یافت، با توجه به روندهای اقتصادی و اجتماعی احتمال کاهش جمعیت و یا ثبات نرخ رشد کم سال ۹۱ در سال آتی وجود دارد. طبعاً چنین نرخ رشدی در سال‌های آتی، اهداف برنامه پنج ساله توسعه و به ویژه اهداف کلان سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ۱۴۰۴ را با چالش‌های جدی مواجه نموده و با توجه به پیری زودرس هرم میانی جامعه و کاهش نسبت نسل جوان، جایگاه و قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی تهدید خواهد شد. از این رو، سیاست‌های راهبردی و سرمایه‌گذاری‌های کلان ساختاری برای بهبود شاخص‌های اقتصادی، اصلاح سبک زندگی به سمت تقویت ارزش‌های فردی و اجتماعی خانواده‌محور و در نهایت تأکید بر سیاست‌های حمایتی افزایش زاد و ولد در کشور ضروری می‌باشد.

کاهش شدید جمعیت و
تشدید مهاجرت به مناطق
مرکزی یا خارج از
کشور، مناطق پیرامونی
را در آینده با بحران
پیرشدن جمعیت مواجه
می‌کند
